

بررسی نقش فناوری اطلاعات در طراحی فضاهای شهری در راستای افزایش سرمایه های

اجتماعی و مشارکت عمومی

حدیثه عسگری^۱

سیما فردوسیان^۲

بهروز صالحی^۳

چکیده

فناوری های ارتباطات و اطلاعات از جدیدترین دستاوردهای علمی بشری اند که به نظر می رسد توانایی ها و قابلیت های بسیاری را به جامعه انسانی عرضه نموده اند و انتظار می رود بتوانند در رفع مشکلات موجود جامعه بشری مفید و موثر باشند. بر اثر این تحولات ناشی از ورود تکنولوژی به شهر، تلاش های بسیاری در جهت توجیه ماقوع و توصیف آینده صورت گرفته که در دو دسته کلی تعریف می گردد. که یکی بر لزوم بازتولید مفهوم محله و واحد همسایگی تأکید کرده و دیگری نافی لزوم وجود این اجتماعات مبتنی بر مکان در دنیای کنونی با توجه به تغییر مفهوم فضا بوده است. در این تحقیق سعی شده تا پس از بازشناسی این دو جریان به توصیف راه حل سومی مبتنی بر تعریف اجتماعات که مبتنی بر مکان در جامعه شبکه ای با کاربرد فناوری اطلاعات امروزی است، پرداخته شود. از این رو با توجه به ارتباط میزان آگاهی عمومی با حس تعلق ساکنین به مکان، نقش فناوری اطلاعات را در ارتقای حس تعلق به مکان و در نتیجه هویت بخشی فضاهای شهری در محله چیدر مورد بررسی و تحلیل قرار داده و در نهایت با توجه به چارچوب مشارکت اجتماعی در محله به بررسی عوامل موثر در طراحی فضاهای جدید شهری در محله چیدر پرداخته شده است.

کلمات کلیدی: فناوری اطلاعات، سرمایه اجتماعی و مشارکت عمومی، محله، هویت بخشی فضاهای شهری

^۱ - کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری

^۲ - کارشناس ارشد طراحی شهری

^۳ - عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام

۱. مقدمه

افزایش جمعیت و شهرنشینی به عنوان پدیده ای فراگیر در یکصد سال اخیر هم کشورهای صنعتی و هم کشورهای در حال توسعه را با چالش های جدید روبرو ساخته است. توجه به نقش مشارکت اجتماعی در توانمند سازی انسانها، افزایش بهره وری، کاهش مشکلات شهری و تحقق توسعه، مشکلات ناشی از عدم مشارکت و مشارکت محدود در فعالیت های اجتماعی شهری در جامعه ایران که در دوران گذار از جامعه سنتی به مدرن است بعنوان یک مسئله اساسی است.

۲. طرح مساله

محل به عنوان یک واحد اجتماعی، تاریخی به قدمت شهر دارد و تعریف هر یک جدا از دیگری غیر ممکن به نظر می رسد. این مفهوم در طول تاریخ از تمامی تحولات شهر متأثر شده و در هر زمان متناسب با مفهوم شهر در آن دوره تغییر شکل یافته است. اما مفهوم کلی آن به عنوان مجموعه ای ساکنان شهر که علاوه بر مجاورت فیزیکی دارای اشتراکات دیگری همچون قومی، مذهبی، صنفی و یا طبقاتی بود و مجموعه آنها کلیتی به نام شهر را تشکیل می داده، همواره ثابت بوده است. با انقلاب صنعتی و ورود تکنولوژی به شهر و افزایش شدید جمعیت این تعادل تاریخی - کالبدی - اجتماعی به هم خورده و روز به روز از بعد اجتماعی آن کاسته شده است و تنها به مجاورت فیزیکی تقلیل می یابد و بعد ها با پیشرفت تکنولوژی و تغییر مفهوم فضا به دلیل ورود ماشین به شهر، لزوم مجاورت فیزیکی برای برخورد اجتماعی نیز از میان می رود به طوری که حس تعلق به یک اجتماع انسانی مرتبط با مکان تضعیف شده و رو به نابودی می رود. در کشور ما بعد از فروپاشی کالبدی ساختار محلات باقی مانده های ساختار اجتماعی آن نیز در حال فروپاشی است به طوری که تصور ذهنی تعلق به محله ای خاص به خصوص در شهرهای بزرگ و بالاخص نسل جدید ساکن در این محلات معنای خود را از دست داده است از سوی دیگر نظام برنامه ریزی کشور به تاخیر متوجه نقش مشارکت اجتماعی در انجام طرح های شهری شده است اما این مشارکت تنها در چارچوب مشارکت مالی و بوسیله ابزاری به نام عوارض ترجمه شده است. بنابراین مشارکت اجتماعی (و نه اقتصادی) که مهمترین خصیصه آن آگاهانه و ارادی بودن آن است در صحنه عمل شهرسازی و به خصوص طراحی شهری ایران فاقد جایگاه مشخص می باشد لذا احیا حس تعلق به محله و تدوین زیرساخت مشارکت اجتماعی ضروری می باشد. علاوه بر مسائلی که در باب اهمیت موضوع مطرح شد مشارکت اجتماعی در فرایند طراحی شهری به دلیل ویژگی های منحصر به فردش از جمله قابل لمس و عملی بودن نتیجه و همچنین ارتباط دوسویه با فرهنگ، ارزش ها و باورهای جامعه اهمیت بسزایی می یابد. یکی از مهمترین ضروریات و موانع روبرو در برابر مشارکت اجتماعی در فرایند طراحی شهری مسئله آموزش و نیاز به افزایش آگاهی عمومی در زمینه نقش و ارزش طراحی شهری در ارتقای سطح

کیفی زندگی در محیط اجتماعی است. از این رو در این زمینه فناوری اطلاعات به عنوان استعداد بالقوه در ایجاد این آموزش همگانی در سطح وسیعی از جامعه مطرح می شود.

۳. مبانی و مفاهیم نظری

به منظور بررسی نقش فناوری اطلاعات در طراحی فضاهای شهری به بررسی سه مفهوم مشارکت و سرمایه اجتماعی، سیر تحول مفهوم محله و عوامل هویت بخش در طراحی فضاهای شهری پرداخته می شود.

۱.۳. سرمایه اجتماعی و مشارکت عمومی

سرمایه اجتماعی را به طور خلاصه می توان شامل سرمایه و منابع حاصل از نهادها، روابط و هنجارهایی دانست که کنش متقابل اجتماعی جامعه را به لحاظ کمی و کیفی شکل می دهند (چلبی، ۱۳۸۴، ۳) اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، روابط و پیوندهای اجتماعی به عنوان مؤلفه های سرمایه اجتماعی، تأثیرات مفیدی در رشد و توسعه جوامع دارند. پوتنام در تحقیقی که در مناطق مختلف ایتالیا انجام داد به طور آشکار اثرات سرمایه اجتماعی را در رشد و توسعه نشان داد. (قانعی راد، ۱۳۸۴، ۲۳۵).

■ کلمن معتقد است سرمایه اجتماعی به عنوان جنبه ای از ساخت اجتماعی، کنش های افرادی را که در درون ساخت هستند تسهیل می کند و مانند دیگر شکل های سرمایه مولد است و دستیابی به هدف های معینی را که در نبود آن دست یافتنی نیست، امکان پذیر می سازد (کلمن، ۱۳۷۷). سرمایه به عنوان یک منبع کلی که اجتماع، افراد و گروه های اجتماعی و نهایتاً کل جامعه از آن استفاده می کنند تا هدف های خود را تحقق بخشند تعریف می شود. به عبارت دیگر سرمایه ابزارهایی است که فرد، گروه، نهاد یا جامعه برای رسیدن به هدف هایش از آن استفاده می کند. (Furstenberg, ۱۹۹۸, ۲۳۸) پاتنام سه شاخص را برای سرمایه اجتماعی مطرح می کند: آگاهی، مشارکت و نهادهای مدنی. پاتنام سرمایه اجتماعی را به اعتماد، هنجارها و شبکه های پیوند تعریف می کند که همکاری کنشگران برای نیل به سود متقابل را تسهیل می کند. (Winter, ۲۰۰۰, ۲). از نظر کلمن سرمایه اجتماعی در نهایت برای افراد سرمایه انسانی را به همراه خواهد داشت. عوامل مؤثر در شکل گیری سرمایه اجتماعی را تحت عنوان سه عامل بررسی می شود که دو بعد سرمایه اجتماعی را در بر میگیرد. این عوامل عبارتند از:

۱. آگاهی از مسائل عمومی: از آن جهت که سرمایه اجتماعی مربوط به روابط بین افراد است و نمی تواند شخصی باشد، آگاهی از مسائل و عوامل عمومی اولین عامل مؤثر بر روابط اجتماعی است. در صورتی که در جامعه شاهد عدالت اجتماعی و توزیع درست اطلاعات در نزد عموم مردم نباشیم. در حقیقت عامل اول سرمایه اجتماعی تحقق نخواهد یافت.

۲. اعتماد: فرد باید هم به افراد و هم به نهادها اعتماد کامل داشته باشد.

۳. پیوند عینی یا مشارکت (رسمی یا غیر رسمی): مشارکت داوطلبانه مردم در نهاد های عام المنفعه یا مدنی است که مستلزم تحقق آگاهی و اعتماد برای مردم جهت تحقق مشارکت اجتماعی می باشد. (موسوی، ۱۳۸۵)

پوتنام با بررسی ای که در مناطق مختلف ایتالیا از حیث میزان سرمایه اجتماعی (در شکل های میزان مشارکت مدنی، اعتماد اجتماعی و هنجارها و ارزش های سودمند) انجام داد، این نظریه را طرح کرد که بین میزان سرمایه اجتماعی در یک منطقه و سطح توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی آن منطقه ارتباط متقابلی وجود دارد. از نظر وی، منابع سرمایه اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه ها معمولاً خود تقویت کننده اند و به تعادل اجتماعی همراه با سطح بالایی از همکاری، اعتماد، معامله متقابل، مشارکت مدنی و رفاه جمعی منجر می شوند؛ برعکس فقدان این ویژگی ها در جوامع غیرمدنی نیز منجر به عهدشکنی، بی اعتمادی، فریب و حيله، بهره کشی، انزوا و رکود می شود. (پوتنام، ۱۳۸۰، ۳۰۳)

۱.۱.۳. مشارکت اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی

مشارکت اجتماعی به عنوان یکی از مولفه های سرمایه اجتماعی واجد انواع مختلف کنش های فردی و گروهی به منظور دخالت در تأمین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم گیری درباره امور عمومی است. از این رو مشارکت اجتماعی همچون سرمایه اجتماعی می تواند در دو سطح مطرح شود:

۱. بعد ذهنی مشارکت که همان تمایل به مشارکت اجتماعی است که در نتیجه اعتماد و سایر عوامل زمینه ساز در افراد ایجاد می شود.

۲. بعد عینی و رفتاری مشارکت اجتماعی که به صورت عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم گیری بروز می کند که همان پیوند عینی افراد است.

با تأمل در این تعریف متوجه می شویم مشارکت اجتماعی یکی از مولفه های سرمایه اجتماعی است که سبب شکل گیری سرمایه اجتماعی می شود. با توجه به مباحث مطرح شده می توان نتیجه گرفت که تئوری سرمایه اجتماعی تحلیل خود را متمرکز بر ویژگی های کلان اجتماعی می کند و معتقد است که این ویژگی های کلان اجتماعی انگیزشی در فرد ایجاد می کند

که عامل مشارکت و توسعه جامعه می شود. بنابراین عدم وجود هر یک از ابعاد ذهنی و عینی سرمایه اجتماعی (اعتماد و شبکه ارتباطات) در افراد سبب عدم مشارکت آن ها در فعالیت های اجتماعی می گردد.

۲.۳. سیر تحول مفهوم محله و واحد همسایگی

مفهوم واحد همسایگی از ابتدای خلقش در اواسط قرن ۱۹ در پی هویت بخشیدن به نظام های شهری و همچنین جایگزینی کالبدی مفهوم انتزاعی محله های از دست رفته در نظام های شهرسازی نوین بود. به طوری که گارنیه در شهر صنعتی و ابنزرهاوارد در نظریه باغ شهر به این مفهوم در قالب مجتمع های مسکونی حول یک مدرسه ابتدایی گرایش داشتند. اما نخستین بار این مفهوم در سال ۱۹۱۱ در کتاب توسعه زمین مسکونی شهر اثر آلفرد پوشمن تعریف و در طرح واحد همسایگی کلارنس پری در سال ۱۹۲۳ ارائه و در رد برن توسط هنری راییت و کلارنس اشتاین پیاده گردید. این مفهوم بعدها در طرح منطقه شهری نیویورک به عنوان ابزار اجتماعی برای مواجهه با بی انتظامی و بی قوارگی شهری و همچنین مقابله با ترافیک آزار دهنده و تأمین ایمنی برای نواحی مسکونی به کار گرفته شد. مفهوم واحدهای همسایگی در نقاط دیگر از جهان و در هر کجا که راه حلی نوین برای سامان دهی سکونتگاه های انسانی جستجو می گرفت با مفاهیم و مبانی نظری مشابه ظهور یافت که از جمله آنها می توان به تلاش های انجام گرفته در بازسازی شهرهای شوروی بعد از انقلاب از طریق ایجاد مجموعه های مسکونی جدید در دهه ۱۹۲۰، اقدامات ارنست مای در احداث مجموعه های مسکونی بر اساس واحد همسایگی در آلمان در دهه ۱۹۳۰ و همچنین در طرح های نواحی مسکونی شهرهای انگلستان و به طور خاص طرح لندن ۱۹۴۳ نام برد. در آخرین تلاش ها در بازآفرینی ارزش های محلات مسکونی را می توان در مفهومی به نام TND در منشور نوشهرسازی نام برد. (فکوهی، ۱۳۸۳) نکته مشترک در تمامی این تلاش ها تعریف مجموعه ای از انسان ها که علاوه بر مشترکات جغرافیایی از لحاظ زندگی در مکان جغرافیایی مشترک دارای اشتراکات اجتماعی نیز بوده که به شناخت جمعی از یکدیگر می انجامد. اما از دهه ۱۹۷۰ جامعه شناسان تلاش گسترده ای را در زمینه ماهیت اجتماعات انسانی و زندگی خانوادگی انجام دادند. این تلاش ها منجر به یافت ماهیت ارتباط در عین انزوا به عنوان پایه و اساس شبکه های ارتباطات اجتماعی کنونی شد. تغییر مفهوم محله در طول زمان بر مبنای کجایی یافت آن و همچنین نحوه دسترسی به منابع عمومی توسط افراد آن تعریف می گشت. این تعریف از محله بقای آن را در طول زمان تضمین می کند. (Wellman B., ۲۰۰۱) هنگامی که جیکوبز در دهه ۱۹۶۰ از خیابان به عنوان حفاظی برای زندگی خصوصی و از چشمان آن به عنوان ضامنی برای حضور در فضای عمومی یاد می کرد و درون آشفته گی شهرهای امروز، جذابیت و کارایی خیابان خود را جستجو می کرد در واقع بدون ذکری از نام محله، بدنبال همان مفاهیمی بود که برمن و دوستانش در همان زمان در محله برونکس همان

نیویورک به تماشای نابودیش نشسته بودند. (برمن، ۸۴) نکته ای که باید در اندیشه جیکوبز توجه کرد این است که او مسائل و مشکلاتی که مطرح می کند راه حل های مبتنی بر منطقه بندی منشور آتن، شهرک های کهکشانی ابنزر هاوارد و همچنین شهر-روستا های شهرستیزان آمریکایی را رد کرده و با تأکید بر حفظ اتومبیل به دنبال نظم و زیباشناختی در چارچوب حیاتی است که آنرا در شالوده شهر می جوید. ارزش هایی که در دیدگاه جیکوبز به عنوان ارزش های از دست رفته اجتماع های انسانی یاد می کند که عبارتند از: تقلیل ارتباط شهروندان به روابط خصوصی، احساس ناخود آگاهانه از همبستگی، اعتماد کلید واژه احساس همبستگی، احساس شخصیت ناشی از مجموعه تماس های عمومی، محکم و خودبه خودی، لزوم گسترش محدوده زندگی خصوصی برای تماس های بیرونی و دوری از هرگونه ارتباط بدلیل ترس از تجاوز به حریم خصوصی در افراد عادی. انتقادی که به نظریات جیکوبز وارد است این است که در راه حل او مجموعه ها آنچنان به روی خود بسته نگاه داشته می شوند که با جهان اطراف ارتباط برقرار نمی کنند. جدال بر سر حفظ یا حذف مفهوم محله بر اثر انقلاب صنعتی تا دهه ۱۹۷۰ ادامه داشت به طوری که از اوایل دهه ۱۹۶۰ تعادل حاصل نظریه غالب سوگواری برای محلات از دست رفته و تلاش جهت تولید دوباره آن در غالب واحدهای همسایگی برهم خورد. دانشمندان تلاش می کردند تا با روش میدانی و تک نگاری های موردی نشان دهند که محله از تحولات عظیم حاصل انقلاب صنعتی جان سالم به در برده است. در مقابل، طیف دیگری در اثر ورود مفهوم به نام فناوری اطلاعات و ابزاری به نام اینترنت به وجود آمد که به دنبال توصیف تغییر و تبدیل مفهوم فضا و نتیجه حاصل آن بود این جریان که در ابتدا گرایش رویایی داشت در تلاش بود تا از ظهور دنیای جدید خبر داده که بر اثر آن تمام شئون زندگی انسانی و اجتماعی متحول گردیده و در نتیجه به زوال تمامی ساختارهای کالبدی موجود می انجامد. از دهه ۱۹۷۰ گروهی از اندیشمندان با اشاره به ظهور شبکه های گسترده ارتباطی آسان با هزینه کم و در مسافت بیشتر نظریه تغییر مفهوم همسایگی در اجتماعات انسانی را بیان کردند. تغییری با گسترش تلفن های از راه دور و همچنین بعدها از طریق اینترنت، روابط بین انسان ها را از روابط صرفاً مبتنی بر موقعیت فضایی به روابط مبتنی بر مشترکات اجتماعی متحول می سازد. از نظر این اندیشمندان از این پس اجتماعات در عوض معیارهای صرفاً فضایی از طریق فاکتورهای اجتماعی تعریف می شوند. و نتیجه آن شبکه های تخصصی علاقه محور، جایگزین واحدهای همسایگی مکان محور شده و موقعیت مکانی به کلی نقش خود را در امکان ایجاد ارتباطات اجتماعی از دست می دهد. افراد واقع در این اجتماعات از لحاظ احساسی و اطلاعات خود را متعلق به کلیتی می دانند که لزوم تبلور فیزیکی نداشته و حتی به افراد یک شهر و یا یک کشور نیز محدود نمی شود. از این رو بر پایه این نظریه جهان به دهکده ای جهانی تبدیل شده که انسان ها همه شهروندان آن می باشند. (Wellman B., ۲۰۰۱) در ادامه تغییرات بنیادینی که در جریان ورود تکنولوژی اطلاعات در ماهیت فضا بوجود آمد اندیشمندان زیادی به تدوین مبانی نظری این جریان و ترسیم نتایج آن پرداختند که از میان آنها می توان به الوین

تافلر اشاره کرد. وی با جایگزینی کلمه موج به جای انقلاب به موج کشاورزی و موج صنعتی به عنوان دو موج اولی تاریخ بشری اشاره کرده و پایه های علمی موج سوم را الکترونیک، کامپیوتر و بیولوژی می داند. وی معتقد است سپر الکترونیکی باعث می گردد که افراد به میل خود اطلاعات مورد نظر را در زمان دلخواه در یابند و دیگر محدودیت مکان و زمان وجود نداشته باشد. ماهیت کار دگرگون می شود و وابستگی کار به مکان از بین می رود از این رو کارها دوباره به محیط خانه بر می گردد. در نتیجه گسستگی خانواده ناشی از موج دوم بازتعریف می شود و نتیجه آن ادغام و تفکیک ناپذیری زندگی شخصی و شغلی می گردد. در موج سوم ساعت کار شناور و انعطاف پذیر است، کارمندان برای زندگی خود برنامه ریزی می کنند، اغلب کارها نیمه وقت و شبانه صورت می گیرد و در نتیجه کارایی افزایش می یابد. (تافلر، ۱۳۸۴). انقلاب تکنولوژی از نظر او نیز در ادامه دو انقلاب پیشین (کشاورزی و صنعتی) است و تأثیرات حاصل از آن را با دیدی واقع گرایانه در تمام ابعاد زندگی بشری می کاود. کاستلز در مطالعات خود بعد از تشریح وضعیت تاریخی منتهی به انقلاب اطلاعات و تفسیر ابعاد و عواقب آن در تبیین تأثیر تکنولوژی اطلاعات به بررسی این نظریه می پردازد که آیا تحولات تکنولوژیکی را باید پایانی برای شهر ها دانست. او در این بخش با تقسیم کار از راه دور (به عنوان ریشه تمامی تحولاتی فضایی واقع در شهر) به سه گروه اشتغال های جایگزین، خود اشتغالی ها و اشتغال های تکمیلی، عامل اصلی تغییر مفهوم فضا را در گروه اول (اشتغال های جایگزین) می داند. وی دو گروه دیگر را نه تنها نافی حضور در فضای نمی داند بلکه با دیدی منفی نگارانه آن دو را مسبب تحرک فیزیکی بیشتر ناشی از افزایش فعالیت و تراکم شدید بازارها توسط نیروی کاری می داند که تا پیش از این باید در ساعات کار خود در محل کار حضور می یافت. و تاکید می کند تحکیم این گرایشات سبب تبدیل خانه به محل کار نمی گردد بلکه سبب می گردد تا فعالیت ها به نحو چشم گیری در سراسر کلان شهر گسترش یابد. به عبارت دیگر به تمرکز زدایی از شهر مرکزی می انجامد. (کاستلز، ۱۳۸۰) کاستلز تمامی امیدهایی را که با تحولات تکنولوژی اطلاعات بوجود آمده بود را مورد نقد قرار می دهد و به طور جدی نگران افزایش ترافیک به دلیل وقت آزاد شده حاصل تکنولوژی اطلاعات است و همچنین خرید از راه دور را جایگزینی برای خرید کاتولوگهای پستی می داند نه جایگزین حضور واقعی در مراکز خرید پیاده و در ادامه تجارت الکترونیک را مکمل مناطق تجاری می داند نه جایگزین آن. کاستلز با نظام استدلالی مشابه به بررسی بانکداری الکترونیک، خدمات بهداشتی الکترونیک و آموزش الکترونیک می پردازد و با استناد به داده های آماری، و نقش فناوری اطلاعات را در تکمیل و توسعه این خدمات می داند نه جایگزینی آنها. از دیدگاه او مکان، تجلی جامعه و فضا، خود جامعه است و جوامع می توانند در پی دگرگونی های ساختاری خود، شکل ها و فرایندهای فضایی جدیدی را پدیدار سازند. وی مکان را تکیه گاه مادی عملکردهای اجتماعی که در یک زمان انجام می گیرد، معرفی می کند.

۱.۲.۳. بررسی و تحلیل تأثیر فناوری اطلاعات بر تعاملات اجتماعی و ساختار محله

یکی از مشکلات، پیش بینی آینده و اثر تحولات فناوری اطلاعات و ارتباطات بر الگوهای تعامل اجتماعی مردم است. اتکای کمتر مردم به رابطهٔ چهره به چهره و کار بیشتر در خارج محیط زندگی روزمره و نیاز کمتر به تجمع و داشتن ساعات مشترک کار و تفریح، جزئی از پیش بینی های آینده است. گرچه طراحان می بایست روش زندگی مردم را در طراحی خود لحاظ نمایند، ولی شیوه های طراحی آنها نیز می تواند سبب تقویت نوع خاصی از زندگی شود. به عنوان مثال بسیاری از طراحان کوشیده اند که مفهوم محله را بر مفهوم جوامع محلی منطبق سازند. از این رو است که واژه های محله یا واحد همسایگی و اجتماع محلی اغلب به جای هم استفاده شده اند. در اینجا «اجتماع محلی» به شبکهٔ روابط بین فردی یا رابطهٔ فرد با یک گروه گفته شده است. در حالی که منظور از «محله» یا واحد همسایگی، محیطی جغرافیایی و کالبدی است. هدف بسیاری از برنامه ریزان منطبق ساختن این دو مفهوم بوده است. (لنگ، ۱۳۸۱) لازم به ذکر است که فضای نوین یا همان فضای مجازی اگرچه ظرفیت های ویژه ای داشته و سهل الوصول می باشد اما در عین حال بی ثبات و در نتیجه فراهویتی است. در عوض فضای کالبدی ماندگار و دارای هویت مشخصی است. لذا این دو مکمل یکدیگرند.

۳.۳. عوامل هویت بخش در طراحی فضاهای شهری

به طور کلی بر اساس آنچه گفته شد نظام شهرهای جهانی متأثر از مدرنیسم و تکنولوژی در نیمه دوم قرن بیست با بحرانی مواجه شد که آن را بحران هویت در شهرهای صنعتی می نامند. که از قطع ارتباط شهر و شهروند بر اساس ورود تکنولوژی و دیدگاه های عملکردگرایانه مدرنیسم بود از این رو در دهه ۱۹۶۰ نظریات متفاوتی ارائه شد که هر یک به طور مجزا به این مسئله از یک منظر خاص و متفاوت پرداخته، از میان آنها می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- گوردن کالن با دیدی زیباشناسانه معمارانه به مسئله طراحی شهری پرداخته و ارتباط رکن اساس یک طراحی شهری موفق می داند. (منظر شهری)
- کوین لینچ برای اولین بار به نحوه درک شهر از دیدگاه شهروندان پرداخته و عناصر مؤثر در این ادراک را در پنج عنصر راه، لبه، گره، نشانه و محله تعریف می کند. (سیمای شهری)
- جین جیکوبز با مطرح کردن بحث خیابان های زنده و عنصری به نام چشم های خیابان به عنوان عامل اصلی امنیت و حیات در فضاهای شهری به مسئله مهم و فراموش شده عرصه عمومی می پردازد. (عرصه های عمومی)

۱.۳.۳. منظر شهری

یکی از تأثیرگذارترین مبانی و متون طراحی شهری در این زمینه نظریات گوردن کالن می باشد که در سال ۱۹۶۱ منتشر شد کالن در نظریه خود به حس بصری و ظاهر شهر تأکید کرده است و با اشاره به واکنش شخص نسبت به فضا به کثرت معنای محیط از خود پرداخته ولی کثرت معنای عموم را از فضا و منظر شهر بررسی نکرده است. از نظر کالن طراحی شهری صرفاً هنر ارتباط بصری بین عناصر شهری است از طریق برقراری نظم و آرایش کردن خیابان ها، بناها و فضاها می باشد. بنابراین ارتباط با محیط مجاور و فضاهایی که در قرارگاهشان ایجاد می نمایند محور اصلی این دسته از نظریه ها است. (کالن، ۱۳۷۰)

۱.۳.۳. سیمای شهری

پژوهش های لینچ و همکارانش از پایه ای ترین و تأثیرگذارترین پژوهش های طراحی شهری به حساب می آید. لینچ پنج عامل لبه، نشانه، گره، راه و محله را همراه با مفاهیمی همچون هویت ساختار و معنا القا می نماید. هدف وی جدا از ساخت شهر بر اساس نظر مردم و مشارکت آنها بیان و آشکار ساختن جریان ناپیدای دوجانبه ناظر و محیط است و به رابطه ذهن آدمی با جسم شهر می پردازد و نیز چنانچه مزینی اشاره می کند اهمیت کوبین لینچ آغاز دگرگون کردن مفهوم شهر از پدیده ای دو بعدی و کاغذی به پدیده ای چند بعدی و همراهی آن با زندگی شهری است. (لینچ، ۱۳۷۴) البته لازم به ذکر است در نقد کتاب وی متون متعددی وجود دارد چنانچه خودش کتاب سیمای شهر خود را بعد از دو دهه مورد نقد قرار می دهد. از نظر لینچ، شهر مکان مشترکی است که طی وقایع روزمره توسط مردم تجربه می شود. مردم تنها ناظر وقایع نیستند بلکه خود بخشی از منظر می باشند. مکان ها دارای معنایی هستند که توسط افراد به آنها داده می شود و آن چه مردم از طرح شهر درک می کنند لزوماً با آنچه طراح گمان و فرض کرده منطبق نیست. از همین رو است که بررسی تصویر ذهنی مردم باید موضوع اساس پژوهش های شهری باشد. (رضایی، ۱۳۸۳)

۱.۱.۳.۳. تأثیر فناوری اطلاعات بر سیمای شهر

یکی از حوزه های مهم حرفه طراحی شهری به رابطه محیط شهری و ذهن و روان فرد می پردازد. مطابق این دیدگاه منظرهای ذهنی یا سیماهای شهر ارتباط مستقیمی با وضوح بصری و خوانایی شهر دارد و منظور از خوانایی درک آسان اجزاء شهری در ذهن، در قالبی به هم پیوسته و مرتبط با یکدیگر می باشد. جدول شماره ۱، موضوعات مربوط به سیمای شهر و نقش فناوری اطلاعات در تقویت آنها را نشان می دهد.

جدول شماره ۱ : موضوعات مربوط به سیمای شهر و نقش فناوری اطلاعات در تقویت آنها

قابلیت های فناوری اطلاعات	موضوعات سیمای شهری
از آنجا که برخی امکانات شبانه روزی مانند اطلاع رسانی و مدیریت ترافیکی، خرید Online، شغل یابی، خدمات مشاوره از راه دور در زمینه های گوناگون (مثلاً بهداشتی) بویژه برای افراد ناتوان تسهیلات عملکرد شهری بوجود آورده و اینترنت برای مردم، شرکتها و گردشگران بسیاری امور را آسانتر نموده است، طبق نظریه فوق می توان گفت که فناوری اطلاعات و ارتباطات، در ادراک آسایشی شهروندان مؤثر است.	از نظر و ن د ن برگ، دسترسی به عوامل آسایش برای مردم، شرکتها و ملاقاتها کنندگان یا گردشگران سبب جذابیت خوانایی و سرزندگی محیط می شود. طبق نظر او وجود عوامل آسایش از یک طرف و دستیابی به آنها از طرف دیگر سبب اصلی رضایت ذهنی افراد است. بنابراین سیمای شهر بستگی مستقیم به دسترسی مردم به عوامل آسایش همچون امنیت، تسهیلات تجاری، رفاهی، فراغتی، شغلی، بهداشتی، سکونتی، دسترسی سازمانها و شرکتها به نیروی ماهر، منابع مادی مثل مواد مصرفی و غیرمادی مثل خدمات تجاری و اداری دسترسی گردشگران به جذابیت های توریستی، نقاط دیدنی و میراث فرهنگی و مکانهای اقامتی دارد.
امکانات رایانه ای، بویژه ترکیب آنها (همچون GIS، CAD) و امکانات نمایشی سه بعدی و نرم افزارهای تحلیلی فضای شهری و قابلیت های تعاملات مردم و نهادها و امکانات متحرک سازی همگی، نویدی است که فناوری اطلاعات و ارتباطات بر بهبود درک و فهم عموم از حرفه طراحی شهری می دهد.	لینچ نقشه ها، دیاگرامها، عکسهای هوایی، گونه شناسیهای تحلیلی مختلف شهرسازان را بسیار تخصصی و غیرعمومی می داند و بر لزوم بررسی تصویر ذهنی مردم در حرفه طراحی شهری تأکید می ورزد. آنچه مردم از طرح شهر درک می کنند با آنچه طراح گمان کرده متفاوت است.
فناوری اطلاعات و ارتباطات نه تنها خصوصیات مختلف را می تواند در برگیرد بلکه با قابلیت به هنگام سازی صفحات مذکور، زمان واقعی، ارتباط با سایر سیماهای، می تواند به انعطاف پذیری و ماهیت پویایی ادراک نیز بپردازد	لینچ، به ارتباط ناظر با محیط می پردازد ولی خصوصیات طیف وسیع ناظرین را چه از لحاظ سن، و نژاد و فرهنگ چه از لحاظ موقتی، دایمی، تکراری، غریبه و آشنا بودن و چه سرعت و حرکت اشاره ای نمی کنند. ناظرین مختلف در مکانهای مختلف و حتی ناظرین ثابت در زمانهای مختلف متغیرهایی اند که اصول لینچ را می لرزانند. از آن بحرانی تر خود مفهوم رابطه است که میان ناظر و محیط برقرار است و بسته به زمانه و شرایط متغیر است
در طراحی های ذهنی فناوری اطلاعات و ارتباطات، معناپردازی یکی از اصول مهم و ضمناً قابل بررسی ساده تر می باشد.	مطالعات سیمای شهر به معنای تصورات و مناظر ذهنی مردم توجه نشده

(ماخذ: رضایی، ۱۳۸۳)

بنابراین می توان نتیجه گرفت که فناوری اطلاعات و ارتباطات در سیمای شهری مؤثر بوده و می توان عوامل مطرح شده توسط نظریه پردازان سیمای شهر را در طراحی این جنبه از فناوری اطلاعات و ارتباطات مورد استفاده قرار داد.

۱.۳.۳. عرصه عمومی

جین جیکوبز، روزنامه نگار آمریکایی که از طلایه داران پست مدرن به حساب می آید در کتاب زندگی و مرگ شهرهای بزرگ آمریکا اظهار می دارد که آن چه در شهر بیش از سایر موارد به ذهن می ماند خیابان ها و فضای عمومی شهر است. از این رو جیکوبز بر خیابان ها، پارک ها و پلازاها تأکید می کند. (جیکوبز، ۱۳۸۶) علاوه بر این عرصه عمومی شهر قلمرو اصلی طراحی

شهر بوده و نظریه پردازان مختلف این رشته در تعریف این عرصه نظریات مختلفی ارائه کرده اند که به طور کلی بر خیابان و میدان به توافق رسیده اند. اما درباره انواع فعالیت های مردم در فضاهای عمومی جان گل در ۱۹۷۸ در کتاب زندگی در فضای میان بناها، فعالیت ها را به سه دسته کلی ضروری، انتخابی و یا اجتماعی اشاره می کند. به علاوه ویلیام وایت عامل جذب مردم به فضای عمومی را سایر مردم می داند. (رضایی, ۱۳۸۳) این دسته نظریه ها طراحی شهری را پاسخ کالبدی به نیازهای انسانی و ساماندهی کالبدی عرصه عمومی شهری می دانند و هدفشان بررسی فعالیت رفتار مردم، فضا و مکان و به طور کلی تعاملات میان مردم و محیط پاسخ به نیازهای نه صرفا زیست شناختی بلکه نیازهای ارتباطی آنها است.

۱.۱.۳.۳. تأثیر فناوری اطلاعات بر عرصه های عمومی شهر

▪ از جمله تأثیرات فناوری اطلاعات و علاوه بر تقویت پیوند های اجتماعی در محیط مجازی منجر به بوجود آمدن عرصه های عمومی در شهر گردد از این رو به عنوان زیرساخت یا شبکه جدید و کاربردی در طراحی شهری مطرح می شود که تلاش در جذب مردم برای کشاندن آنها به درون این فضاها و تعامل با یکدیگر داشته و نقش حد واسط ارتباطات جمعی و توزیع اطلاعاتی را بر عهده دارد. از این رو سازمان بخشی کالبدی عرصه عمومی شهر از دیگر اهداف یا نتایج کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در طراحی شهری به حساب می آید که این هدف و ماهیت حرفه طراحی شهری است. اینگونه تلاشها، تلاشهایی در خلق فضاهایی است که بازتاب زندگی در عصر الکترونیک و دیجیتال باشند. ولی برخلاف آنها کمتر در حد استعاره و معانی ذهنی و مفاهیم القایی باقی مانده بلکه بیشتر جنبه های کارکردی، سیار و تعامل با فضاهای باز شهری دارند. (رضایی, ۱۳۸۳)

۴. نمونه موردی : محله چیدر

چیدر یکی از آبادیهای منطقه شمیرانات و قدیمی ترین دهستان شمیران است، که قدمت آن به بیش از هزار سال پیش می رسد و در دامنه تپه ای به همین نام بنا شده است. چیدر اکنون داخل محدوده شهر تهران واقع شده است و چهره روستایی خود را از دست داده و از آثار قدیمی آن تنها امامزاده اسماعیل شکل اولیه خود را حفظ کرده است و شکل اولیه امامزاده دیگر آن یعنی امامزاده علی اکبر در اثر بازسازیهای صورت گرفته بر روی آن به کلی دگرگون شده است. چیدر در دو کیلومتری جنوب شرقی تجریش واقع است. چیدر از شمال به اراضی جماران و دزاشیب و از جنوب به اراضی رستم آباد و دروس و از مغرب به قیطره و

دزاشیب و از مشرق به رستم آباد بالا محدود می شود. آبادی چیدر به دزاشیب، قلهک، دروس، ضرابخانه، لویزان و نیاوران راه ارتباطی داشته است. محدوده محله در تصویر شماره ۱ آورده شده است.

تصویر شماره ۱ : محدوده محله چیدر



ماخذ: نگارندگان

۱.۴. منظر شهری محله چیدر

▪ منظر محله از درون به بیرون

در تصویر شماره ۲ برخی مناظر ناحیه، از درون به بیرون که از طریق کریدورهای بصری موجود در بافت مشاهده گردیده، نشان داده شده است. همانطور که مشاهده می شود مهمترین عنصر بصری قابل مشاهده از درون به بیرون کوه های البرز بوده که به عنوان یک منظر مهم مورد توجه قرار می گیرد. به علاوه برج های فرمانیه از عوامل مصنوع قابل مشاهده از درون محدوده می باشد.

تصویر شماره ۲ : کوهستان البرز و برجهای دو قلوی فرمانیه



▪ منظر محله از بیرون به درون

همانطور که در تصویر شماره ۳ ملاحظه می شود، خوشبختانه بدلیل عدم ساخت و ساز بلند مرتبه متداول در نواحی شمال شهر در محدوده مورد نظر عنصر مشخص کالبدی از محدوده از بیرون محله قابل شناسایی نیست. اما همین ساخت و ساز های معمول تا چهار و پنج طبق نیز دید به مهمترین عامل کالبدی در منظر محله چیذر (امام زاده علی اکبر) را محدود کرده است. از این رو امام زاده علی رغم قرار گیری در بالاترین نقطه تپه چیذر و فرم گنبدی منحصر به فرد نسبت به خط آسمان موجود فاقد نمود مشخص از بیرون می باشد.

تصویر شماره ۳: دید پانورامیک از بیرون به درون ناحیه



۲.۴. سیمای شهری محله چیذر

همانطور که در مبانی نظری به آن پرداخته شد، بر اساس مطالعات لینچ تصور ذهنی شهروندان از شهر از پنج عامل نشانه، گره، راه، لبه و محله متأثر است در این تحقیق این پنج عامل به عنوان امکانات بالقوه مؤثر بر ادراک شهر توسط شهروندان بررسی می شود.

▪ نشانه ها

نشانه های شهری در محله چیذر در سه مقیاس دید نزدیک، دید میانی و دید دور دست بررسی می شود که به ترتیب می توان به گنبد امام زاده علی اکبر (تصویر شماره ۴)، بر جهای فرمانیه (تصویر شماره ۵) و دکل مخابراتی (تصویر شماره ۶) اشاره کرد.

تصویر شماره ۵: برج های دو قلوی فرمانیه



تصویر شماره ۴: امامزاده علی اکبر چیذر



تصویر شماره ۶: دکل مخابراتی



▪ گره

بطور کلی در حوزه مورد مطالعه منطقه چیذر، چهار گره شهری قابل تمییز است که هر یک واجد کیفیت ها و ویژگیهای خاصی هستند قابل تشخیص و شناسایی می باشد که عبارتند از: میدان امامزاده علی اکبر، میدان چیذر، میدان ندا و میدان شهیداندرزگو.

▪ لبه

لبه های قدرتمند همانطور که در تصویر شماره ۷ آورده شده یکی از ویژگی های مثبت محله چیذر است که کمتر در محلات باقی مانده در شهر تهران مشاهده می شود. این لبه های که هر یک محله چیذر را از محلات و نواحی اطراف جدا می کنند نقش بسیار عمده ای در تصویر ذهنی شهروندان می توانند داشته باشند. این لبه ها عبارتند از: بزرگراه صدر، خیابان پاشاظهری، بلوار تازه تاسیس پگاه و خیابان قیطریه.

تصویر شماره ۷: لبه های مشخص محله چیذر



▪ راه

معايير در هر محدوده نمايانگر نوع توسعه شهري مي باشد تا آنجا كه از تراكم معابر به عنوان يكي از ملاك هاي تعيين مراكز شهري استفاده مي شود. همانطوري كه در نقشه مشاهده مي شود معابر محله چيذر ساختاري ارگانيك دارد و اين ساختار ارگانيك علاوه بر متاثر بودن از توپوگرافي ريشه در بافت روستايي اين محدوده است كه معابر را در مرز اراضي كشاورزي قرار مي داد.

از نظر سلسله مراتب همانطور كه در تصوير شماره ۸ آمده است در جنوب با بزرگراه و در ساير مرز هاي خود با معابر شرياني درجه دو از نواحي اطراف جدا مي شود. ترافيك از معابر شرياني درجه دو با سلسله مراتب مناسبي به دسترسي هاي محلي رسيده و ترافيك را توزيع مي كند. بنابراين معابر جمع و پخش كننده در حكم مجراهاي ورودی محله عمل مي كنند و نقش بسزايي در تعريف محدوده در تصور ذهني ساكنين مي تواند داشته باشد.

تصوير شماره ۸ : سلسله مراتب معابر محله چيذر



۳.۴. عرصه عمومي

عرصه هاي عمومي به عنوان مهمترين محل هاي وجود زندگي اجتماعي در فضاهای شهري به حساب مي آیند. اما در محدوده مدنظر به دليل غلبه ماشين بر فضاهای شهري عرصه عمومي فاقد قابليت هاي بالقوه خود است. از اين رو در اين بخش به شناسايي اين فضاها به عنوان امكانات بالقوه براي ظهور زندگي شهري مي پردازيم. اين فضاها در محله چيذر شامل فضاهای سبز مي باشند.

▪ فضاهای سبز

همانطور که در تصویر شماره ۹ و ۱۰ آمده است، فضاهای سبز در محله شامل فضاهای سبز عمومی و خصوصی است. عمده فضاهای سبز موجود در ناحیه، خصوصی بوده و وسعت و تعداد فضاهای سبز عمومی در مقایسه با جمعیت و وسعت ناحیه بسیار اندک می‌باشد. هرچند این فضاهای سبز خصوصی آثار بسیار مثبت زیست محیطی برای محدوده دارند اما فاقد عملکردهای اجتماعی فضاهای سبز عمومی می‌باشند از این رو نمی‌توانند به عنوان عرصه‌های عمومی تلقی شوند. به علاوه عامل تهدیدکننده دیگر این است که این محدود فضاهای سبز خصوصی موجود در ناحیه نیز، بتدریج در حال تغییر کاربری و تبدیل به ساختمانهای مسکونی هستند که این امر علاوه بر ایجاد مشکلات زیست محیطی، تأثیرات جبران ناپذیری نیز بر سیما و منظر ناحیه شهری برجای خواهد گذارد.

تصویر شماره ۱۰: فضای سبز عمومی



تصویر شماره ۹: فضای سبز خصوصی در آستانه تخریب



۴.۴. شناخت ساختار مشارکت اجتماعی محله چیذر

تشکل‌های اجتماعی به گروه‌های داوطلب و مستقلی گفته می‌شود که غیرانتفاعی بوده و در پاسخ به نیازهای جامعه شکل گرفته‌اند، بر این مبنا ویژگی‌های اساسی تشکل‌ها شامل داوطلبانه، مستقل و غیرانتفاعی بودن می‌باشد. در حال حاضر تشکل‌های اجتماعی محله که با محوریت اعضای بومی شکل گرفته‌اند و فعالیت دارند به شرح زیر است: هیأت امنای مسجد قائم چیذر، حوزه علمیه قائم چیذر، انجمن خیریه قائم چیذر، شرکت تعاونی مصرف. بر اساس نتایج بدست آمده در محله چیذر به دلیل تعریف قوی و دقیق محله توسط لبه‌های قدرتمند، وجود نشانه و نمادهایی همچون امام زاده علی اکبر و همچنین وجود زیرساخت‌هایی مشارکت اجتماعی با قدمت بیش از ۴۰ سال دارای استعدادهای بالقوه‌ای برای تحقق اهداف طرح می‌باشد و با همگرا کردن فعالیت‌ها و اطلاعات خدمات شهری موجود در شهر می‌توان از این استعدادها به منظور هدایت طرح‌ها و جلب مشارکت اجتماعی و افزایش حس تعلق به محله استفاده کرد.

۵.۴. شناخت ساختار گردش اطلاعات در نهادهای ذیربط در مقیاس محله

سازمانهای مختلف و متعددی در شهر به تولید اطلاعات می پردازند که هر یک به صورت مستقل و مجزا عمل می کنند. به طوری که دسترسی به اطلاعات به شیوه دشوار و چرخه آن دچار نقص می باشد. در این مرحله به تحلیل نحوه گردش اطلاعات و طبقه بندی آن در راستای رسیدن به چارچوب طراحی محله الکترونیک می پردازیم. از این رو تمامی سازمان ها و نهاد های مطرح شده را در چهار زیرمجموعه تقسیم می کنیم که عبارتند از: نهادهای تولید کننده اطلاعات، سازمان های ارائه دهنده خدمات، سازمان های پشتیبان خدمات، سازمان های تعیین کننده ضوابط و سازمان های یاری رسان به شهروندان. این طبقه بندی بر اساس نحوه تعامل هر یک از سازمان ها با شهروندان و نقش آنها در افزایش آگاهی عمومی از طریق ارائه خدمات و یا جلب مشارکت تدوین شده که به تشریح در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول شماره ۲: طبقه بندی نهادهای مرتبط با ساختارهای گردش اطلاعات شهری در مقیاس محله

موضوع	نهاد
نهادهای تولید کننده اطلاعات	سازمان آمار سازمان نقشه برداری شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی سازمان کنترل ترافیک سازمان کنترل کیفیت هوا کتاب اول
سازمان های ارائه دهنده خدمات	شهرداری مراکز پستی بانک ها نیروی انتظامی
سازمان های پشتیبان خدمات	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی وزارت آموزش و پرورش سازمان تربیت بدنی
سازمان های تعیین کننده ضوابط	سازمان محیط زیست وزارت مسکن و شهرسازی
سازمان های یاری رسان به شهروندان	سازمان های غیر دولتی شورایاری ها

ماخذ: نگارندگان

بنابراین می توان با تدوین طبقه بندی داده های موجود در سطح شهر و تهیه زیر ساخت مناسب با استفاده از قابلیت

های فناوری اطلاعات به اصلاح چرخه اطلاعات موجود پرداخت.

۵. الگوی پیشنهادی طراحی محله چیدر

در این بخش بر اساس تحلیل های صورت گرفته بر روی تأثیرات فناوری اطلاعات بر احیای حس تعلق به محله و امکان ایجاد چارچوبی برای مشارکت اجتماعی به تدوین راهبرد هایی برای طراحی محله الکترونیکی چیدر پرداخته شده است. در صورت پشتیبانی محله با یک پایگاه الکترونیک با مشخصات بخش پیش، در الگوی زندگی شهروندان بر اثر افزایش آگاهی، دریافت خدمات و مشارکت در طرح های شهری از یک سو و ایجاد تعاملات مابین شهروندان از سوی دیگر که منجر به احیای حس مکان و در نتیجه افزایش تعلق خاطر به محله می گردد، تغییر اساسی به وجود آمده که نیازمند طراحی مجدد فضاهای شهری برای تطابق با این شیوه نوین زندگی می باشد. درون این پایگاه که به عنوان عاملی برای تحقق شیوه نوین زندگی شهروندان طراحی می شود روابط در سه گونه روابط یک طرفه پایگاه و شهروندان برای افزایش آگاهی عمومی، روابط دو طرفه پایگاه با مردم برای ارائه خدمات و جلب مشارکت و روابط دو طرفه بین مردم جهت افزایش تعاملات اجتماعی و ارتقای حس تعلق به محله تعریف شده است. بنابراین به طور کلی تغییرات به وجود آمده در شیوه زندگی شهروندان را می توان در سه دسته کلی تقسیم کرد که عبارتند از:

- تغییرات در سطح آگاهی و در نتیجه تغییر در حس مکان بدلیل مشارکت در آینده محله خود و همچنین افزایش تعامل. این تغییرات به خودی خود تشویق کننده شهروندان به حضور در فضاهای شهری می باشد اما این حضور دارای موانعی است که مهمترین آن کمبود فضاهای عمومی مختص پیاده جهت برقراری تعاملات اجتماعی در فضای حقیقی است.
- تغییر در میزان اوقات فراغت بدلیل کاهش اتلاف وقت برای دریافت خدمات و همچنین کاهش زمان حضور در محیط کار به عنوان یکی از مهمترین مؤلفه های زندگی به طوری که بسیاری عنوان تمدن اوقات فراغت را بر زندگی عصر تکنولوژی اطلاعات می نامند.
- به علاوه از دیگر تأثیرات گسترش شیوه زندگی بر اثر نیل به اهداف محله الکترونیک کاهش سفرهای درون شهری و در نتیجه کاهش حضور اتومبیل در فضاهای محله می باشد از این رو می توان در طرح های شهری موجود که همگی با رویکرد روان سازی ترافیک جهت کاهش زمان سفر و در نتیجه افزایش سرعت اتومبیل مطرح شده اند تجدید نظر کرد. به طوری که با حذف تعریض های معمول طرح های شهری که تنها موجب برهم خوردن یکپارچگی و پیوستگی سیمای شهری شده و با نادیده گرفتن حرکت پیاده، تنها افزایش سرعت اتومبیل را در فضاهای شهری مد نظر قرار می دهد. بنابراین بر اثر افزایش آگاهی عمومی نسبت به محله و آشنایی و تعامل با هم محله ای ها در پایگاه الکترونیک محله و در نتیجه افزایش حس تعلق به مکان، انگیزه لازم برای حضور در فضای شهری بوجود آمده که با توجه به اوقات فراغت بوجود آمده حاصل از کاهش اتلاف وقت برای تأمین خدمات و کاهش ساعت کاری که از مهمترین اثرات تکنولوژی اطلاعات در شهر می باشد،

وقت کافی برای حضور در فضاهای شهری تأمین می شود. اما مسئله اساسی کمبود فضاهای شهری مختص پیاده جهت تحقق این تعاملات اجتماعی است که می توان با تجمیع خرده فضاهای آزاد شده بر اثر تعریض معابر به صورت فضاهای شهری باز شده در بافت جهت پاسخگویی کالبدی به نیاز حضور در فضاهای شهری جهت تعاملات اجتماعی به وجود آمده در محیط مجازی تعریف شده و به عنوان مکمل فیزیکی آن طراحی می شود. در ادامه به مکانیابی این فضاها در محله چیدر می پردازیم. جدول شماره ۳ معیارهای مکان یابی فضاهای جدید شهری را نشان می دهد.

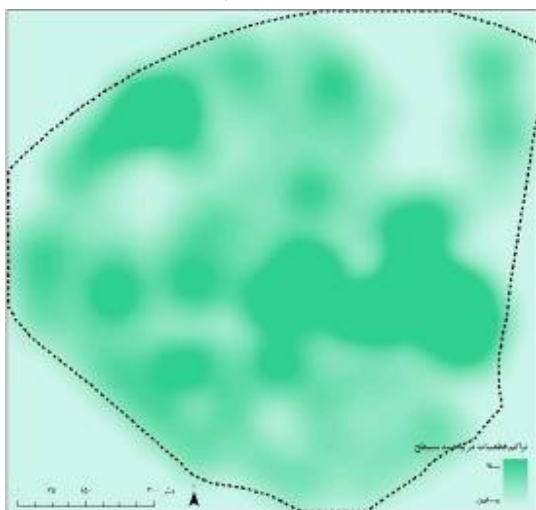
جدول شماره ۳: معیارهای مکان یابی فضاهای جدید شهری

معیار	رویکرد تحلیلی
دانه بندی بافت	تراکم پایین قطعات
دسترسی مناسب	تراکم بالای معابر فرعی
تنوع فعالیت ها	تراکم فعالیت های غیر مسکونی
منظر مناسب	دید مناسب به امام زاده علی اکبر
مناسب پیاده	شیب کمتر
اجرایی و مقرون به صرفه بودن	تراکم ساختمانی کمتر
پشتیبانی توسط تاسیسات فناوری اطلاعات	نزدیک بودن به ساختمان های مرتفع

ماخذ: نگارندگان

۱.۵. دانه بندی بافت

نقشه شماره ۱: تراکم قطعات در واحد

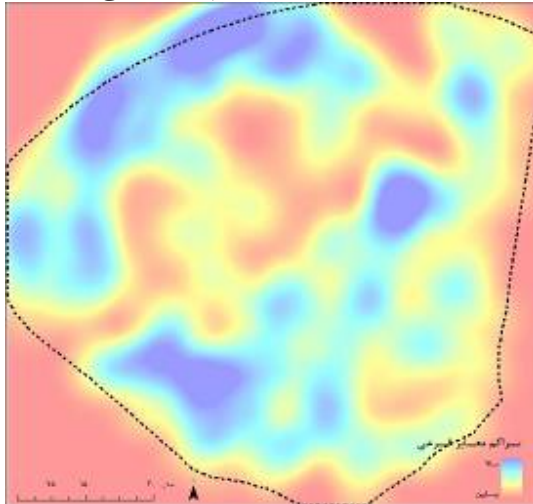


ماخذ: نگارندگان

برای بدست آوردن این معیار از ابزار تراکم قطعات در واحد سطح استفاده شده است. به طوری که هر چه تراکم قطعه در واحد سطح بیشتر باشد، به دلایل اجتماعی، اقتصادی و اجرایی استعداد محل برای تبدیل شدن به فضای شهری کاهش می یابد. نقشه شماره ۱ پهنه بندی سطوح محله چیدر از نظر تراکم قطعات نشان می دهد.

۲.۵. دسترسی مناسب

نقشه شماره ۲: تراکم معابر فرعی

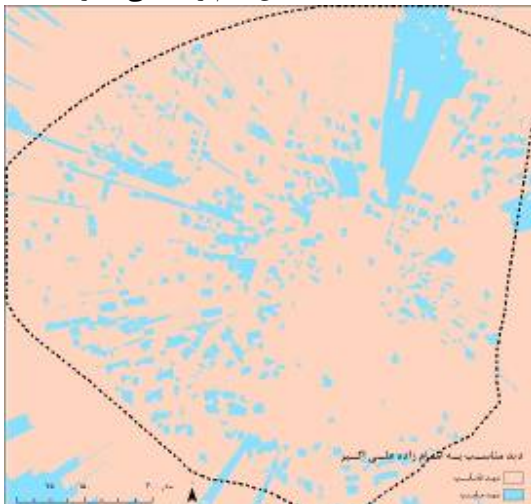


ماخذ: نگارندگان

یکی دیگر از مهمترین معیارها در زنده بودن فضا های شهری دسترسی مناسب آنها می باشد به گونه که این فضا ها تا حد امکان از مجاورت معابر پر ترافیک دور بوده و از سوی دیگر در مجاورت محل تقاطع راه های فرعی قرار گیرد. از این رو برای بدست آوردن پهنه بندی محله چیدر بر اساس این معیار از تحلیل تراکم معابر فرعی استفاده شده که حاصل آن در نقشه شماره ۲ آمده است.

۳.۵. منظر مناسب

نقشه شماره ۳: تحلیل منظر محله چیدر بر اساس قابلیت دیده شدن امام زاده علی اکبر

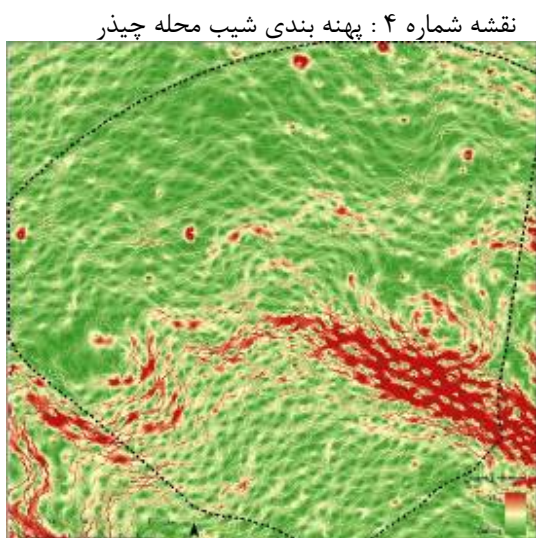


ماخذ: نگارندگان

منظر از مهمترین عوامل مؤثر در هویت بخش فضاهای شهری می باشد. از این رو در این تحلیل پهنه بندی محله چیدر را بر اساس قابلیت دیده شدن گنبد امام زاده علی اکبر به عنوان مهمترین عامل هویت بخش محله استفاده شده که در نقشه شماره ۳ مشخص شده است.

۴.۵. مناسب پیاده

از آنجا که فضاهای شهری با رویکرد مطرح شده در این تحقیق برای حرکت پیاده طراحی می شود از این رو کیفیت اختصاص یافته به این فضاها برای این نوع حرکت از اهمیت بسزایی برخوردار است. از مهمترین عوامل کیفی تأثیر گذار در حرکت پیاده به خصوص در محله چیذر، شیب این فضاها می باشد. زیرا در شیب های بالا رقبتی برای این نوع حرکت وجود ندارد. در نقشه شماره ۴ پهنه بندی محل چیذر بر اساس شیب مشخص شده است.

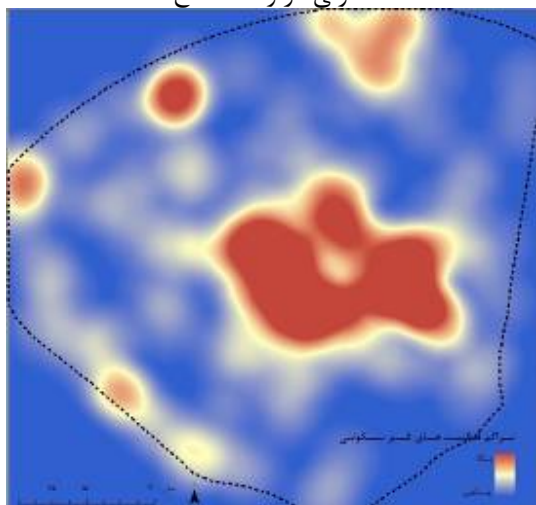


ماخذ: نگارندگان

۵.۵. تنوع فعالیت ها

از دیگر عوامل تأثیر گذار بر زنده بودن فضاهای شهری و تبدیل شدن آنها به فضاهای غیر قابل دفاع، تنوع فعالیت های واقع در این فضاها می باشد. بطوریکه فضاهای فاقد تنوع فعالیت به دلیل وجود جریان رسمی فعالیت در ساعاتی از شبانه روز، به فضاهای مشکوک و غیر قابل دفاع تبدیل می شود. از این رو برای مکان یابی فضاهای جدید شهری از تراکم فعالیت های غیر مسکونی برای بدست آوردن تنوع فعالیت استفاده شده است که در نقشه شماره ۵ مشخص می شود.

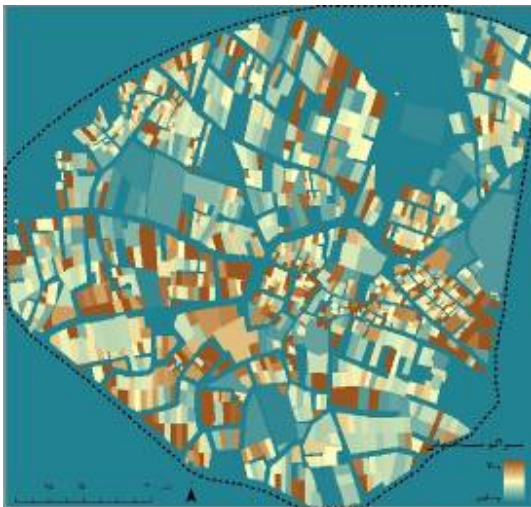
نقشه شماره ۵: تراکم فعالیت های غیر مسکونی در واحد سطح



ماخذ: نگارندگان

۶.۵. اجرایی و مقرون به صرفه بودن

نقشه شماره ۶: تراکم ساختمانی قطعات



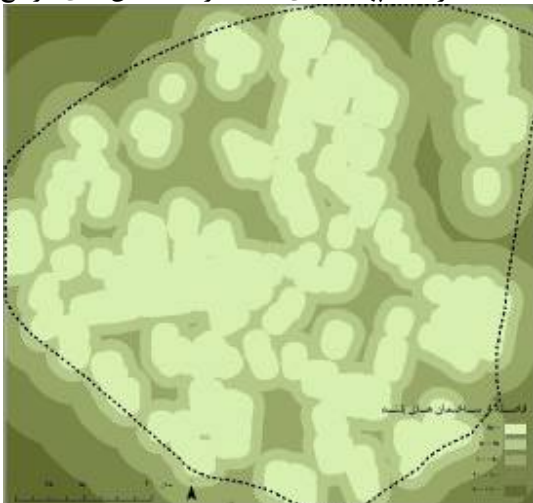
ماخذ: نگارندگان

عدم توجه به اجرایی بودن طرح از مهمترین معضلات نظام برنامه ریزی و طراحی شهری می باشد از این رو علاوه بر تراکم قطعات، از تراکم ساختمانی به عنوان عامل مهم در اجرایی بودن و مقرون به صرفه بودن طرح مدنظر این تحقیق در مکان گزینی فضاهای جدید شهری در محله چیدر در کنار سایر معیارها استفاده شده که در نقشه شماره ۶ مشخص شده است.

۷.۵. پشتیبانی توسط تاسیسات فناوری اطلاعات

همانطور که اشاره شد، پایگاه الکترونیکی محله از طریق افزایش آگاهی شهروندان نسبت به محله، مشارکت آنها در طرح های محله از یک سو و از سوی دیگر آزاد شدن اوقات فراغت به دلیل کاهش سفرهای شهری برای تأمین خدمات نقش مؤثری در افزایش علاقه ساکنین برای حضور در فضاهای شهری بوجود می آورد. اما مانع اساسی در این امر مبتنی بر مکان بودن دسترسی به اینترنت در شهرهای ما می باشد به گونه ای که دسترسی فرد به شبکه با خارج شدن او از محل زندگی یا کار به طور کلی قطع می شود. این امر سبب می گردد فرد زمان حضور در محیط بیرون را به عنوان یک زمان از دست رفته تلقی کرده و در صدد کاهش آن در آید.

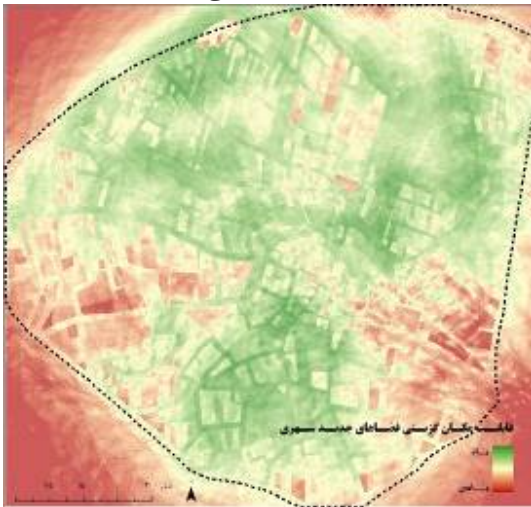
نقشه شماره ۷: پهنه بندی فاصله از ساختمان های مرتفع



ماخذ: نگارندگان

از این رو در این تحقیق پشتیبانی تمامی فضاهای شهری از اینترنت به عنوان عامل اساسی در بر طرف کردن این مانع اساسی تعریف شده و به عنوان محرک نهایی برای جذب شهروندان در فضاهای شهری در کنار سایر محرک ها تعریف می شود. از این رو به عنوان معیار مؤثر در مکان گزینی فضاهای جدید شهری نزدیکی آنها به ساختمان های مرتفع (بالای ۵ طبقه) به عنوان یک معیار مثبت تلقی می شود که در نقشه شماره ۷ مشخص می گردد.

نقشه شماره ۸: قابلیت مکان‌گزینی فضاهای شهری جدید



ماخذ: نگارندگان

۸.۵. جمع‌بندی معیارهای مکان‌گزینی فضاهای شهری جدید

بر اساس تحلیل‌های فوق و با روی هم انداختن این لایه‌های تحلیلی، مکان‌بینه برای انتخاب فضاهای شهری جدید در محله چیدر مشخص می‌شود. که در نقشه شماره ۸ آورده شده است.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این تحقیق نشان داد که فرارگاه کالبدی عرصه عمومی شهر و نیز سیما یا منظر ذهنی شهر چگونه تحت تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات قرار گرفته تا به هدف سازمان بخشی کالبدی عرصه عمومی شهر جهت ارتقاء کیفیات مختلف زیبا شناختی، زیست محیطی، عملکردی، اجتماعی، ادراکی دست یابد. با توجه به این نکته می‌توان چنین نتیجه گرفت که فناوری اطلاعات و ارتباطات با تأثیر بر منظر شهر، سیمای شهر و عرصه عمومی شهر بر حس مکان مؤثر بوده و در صورت تقویت مؤلفه‌های آن می‌تواند سبب تقویت حس مکان گردد. از این پرداختن به مبحث هویت آفرینی مکان و به علاوه موضوع هویت انسان در عصر اطلاعات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌گردد به طوری که مکان و فضا به عنوان مهمترین عوامل که نیازهای هویتی انسان را تأمین می‌کنند مطرح می‌شوند و مرزپذیری و قابل‌تحدید بودن مکان به عنوان عاملی که این امکان را فراهم می‌سازد مطرح می‌گردد تا انسان‌ها با احساس متمایز بودن، ثبات داشتن و تعلق به گروه، امنیت و آرامش لازم را برای زندگی کسب کنند. بنابراین هویت آفرین مکان بر مرزپذیری و ثابت بودن آن استوار است و ویژگیهای لامکانی یا فضای مجازی که موضوع جوامع و تعاملات مجازی می‌باشد در راستای هویت آفرینی و ویژگیهای مکانی - محلی، مرزپذیری و ارتباط چهره به چهره قرار می‌گیرد و فناوری اطلاعات به عنوان یک ابزار می‌تواند نقش مؤثری در تغییر شیوه زندگی شهروندان و بهبود ساختار شهر با استفاده از بهبود چرخه اطلاعات داشته و امکانات منحصر به فردی را برای افزایش تعاملات اجتماعی، ارتقای حس تعلق به محله و تدوین زیر ساخت مشارکت اجتماعی ایفا کند.

۷. منابع و ماخذ

۱. تافلر، الوین (۱۳۸۴)، موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی، چاپ پانزدهم، نشر علم، تهران.
۲. برمن، مارشال (۱۳۸۴)، تجربه مدرنیته، ترجمه مراد فرهادپور، چاپ پنجم، انتشارات طرح نو، تهران.
۳. پوتنام، رابرت (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنتهای مدنی: تجربه ایتالیا و درس هایی برای کشورهای در حال گذار، ترجمه دکتر محمدتقی دلفروز، دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور، تهران.
۴. جیکوبز، جین (۱۳۸۶)، مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، ترجمه ح. پارسى و آ. افلاطونی، دانشگاه تهران، تهران.
۵. چلبی، مسعود (۱۳۸۴)، تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۲.
۶. رضایی، محمود (۱۳۸۳)، نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در طراحی شهری با توجه به مفاهیم نوین شهرسازی، رساله دکترا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران.
۷. فکوهی، ناصر (۱۳۸۳)، انسان شناسی شهری، چاپ اول، نشر نی، تهران.
۸. قانعى راد، محمد امین (۱۳۸۴)، رویکرد توسعه اجتماعی به برنامه های فقرزدایی در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۸.
۹. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات جلد اول، ترجمه علی پایا، احد علیقلیان و افشین خاکباز، چاپ دوم، انتشارات طرح نو، تهران.
۱۰. کالن، گورن (۱۳۷۰)، منظر شهری، ترجمه منوچهر طیبیان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۱. کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ اول، نشر نی، تهران.
۱۲. لنگ، جان (۱۳۸۱)، آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه دکتر علیرضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۳. لینچ، کوین (۱۳۷۴)، سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۴. موسوی، میرطاهر (۱۳۸۵)، مشارکت اجتماعی یکی از مولفه های سرمایه اجتماعی، فصل نامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳.

۱۵. Furstenberg Furstenberg, G. (۱۹۹۸), Social Capital and the Role of Fathers in the Family, Chapter ۱۵ in A. Booth & A. Creuter, Men In Families: When Do They Get Involved? What Difference Does It Make? Lawrence Erlbaum, New Jersey.
۱۶. Wellman, Bary (۲۰۰۱), The persistence and transformation of community: From neighbourhood groups to social networks. Report to the Law Commission of Canada.
۱۷. Winter, Lan (۲۰۰۰), Towards a Theorized Understanding of Family Life and Social Capital, Working Paper No. ۲۱, April ۲۰۰۰ Australian Institute of Family Studies.